

ظاهر و باطن قرآن و مبادی آگاهی امام از آن

فتح‌الله نجارزادگان*

استاد دانشگاه تهران پردیس فارابی، تهران

حسن محمدی احمدآبادی**

مربی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق

محمدتقی شاکر***

دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۰/۲۵)

چکیده

قرآن آخرین کتاب آسمانی، بر دو ساحت ظاهر و باطن استوار شده است و افراد خاصی از این آگاهی بهره‌مند و جامعه بشری برای دستیابی به آن حقایق در جهت سیر تعالی نیازمند به ایشان می‌باشد. مکتب تشیع مصداق آگاهان از ظاهر و باطن قرآن را پیشوایان خویش معرفی می‌کند و بر این باور است که دانش امام فراتر از علم عادی، دارای مجاری و مبادی خاص و الهی می‌باشد. آیات و روایات، دلالت بر اثبات دیدگاه اتصال علم امام به خداوند سبحان دارد. مقاله حاضر با روش کتابخانه‌ای و رویکردی تحلیلی در مقام بررسی و اثبات چگونگی آگاهی و علم گسترده امام به قرآن است. شناخت چگونگی ایصال امام به حقایق قرآن با بررسی مجاری و مبادی گوناگون آگاهی امام از ظاهر و باطن قرآن آشکار خواهد شد که این مهم به دلیل جایگاه مقرر شده، برای امام می‌باشد می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، بطن قرآن، ظاهر قرآن، مبادی دانش امام.

* Email: najarzadegan@ut.ac.ir

** Email: f.gofteman@gmail.com

*** Email: 14mt.shaker@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

شهرستانی در *ملل و نحل*، پُرچالش‌ترین حادثه تاریخ اسلام را مسأله جانشینی پیامبر اسلام (ص) گزارش می‌کند که هیچ موضوعی همانند آن مبنای اختلاف و تعارض واقع نشده است: «أعظم خلاف بين الأمة خلاف الإمامة، إذ ما سلّ سيف في الإسلام على قاعدة دينية مثل ما سلّ على الإمامة في كلّ زمان: بزرگترین اختلاف میان امت (اسلام)، اختلاف در باب امامت است، چون هیچ شمشیری در اسلام بر بنیان دین کشیده و آخته نشده، همچنان‌که برای امامت در هر زمانی بوده است» (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۱). این سخن به روشنی اهمیت مسأله جانشینی پس از رسول خدا (ص) را نمایان می‌سازد. قصور یا غلو در امامت، هر یک آسیب‌ها و خسارت‌های مخصوص به خود را بر جامعه اسلامی تحمیل می‌کند. اعتقاد و التزام به امامت، مبتنی بر شناخت صحیح از مقام و ویژگی‌های نهاد امامت است. در میان اوصاف و ویژگی‌هایی که برای امام در امامت خاصه مطرح شده، علم و عصمت از نمود بیشتری برخوردار است، هرچند این دو صفت دارای پیوندهای عمیقی در می‌باشد می‌باشد. بر اساس آیات و روایات، قرآن کانون دانش و مرکز پاسخ به نیاز بشری است و در تفکر امامیه که مبتنی بر کتاب و سنت است، ائمه اطهار (علیهم‌السلام) آگاهان از این کانون و عالمان به دو ساحت ظاهر و باطن آن می‌باشند. در ساختار اعتقادی شیعه، علم امام شبیه علم پیامبر (ص) است و از مهم‌ترین منابع و مبادی دانش امام، آگاهی‌های گسترده و دست‌نیافتنی برای دیگران است که پیامبر به جانشینان خود تعلیم یا انتقال داده است. مقاله پیش رو، بررسی یکی از مهم‌ترین مبادی و مجاری دانش امام (علیه‌السلام) یعنی واکاوی گونه آگاهی امام به قرآن است.

مسائلی که در بررسی دقیق طریق و چگونگی دانش امام به قرآن کمک می‌نماید، عبارتند از:

- ۱- برخورداری قرآن از ظاهر و باطن.
- ۲- وجود آگاهانی از حقایق قرآن.
- ۳- چگونگی آگاهی امام از ظاهر قرآن.
- ۴- چگونگی آگاهی امام از باطن قرآن.

پاسخ به این پرسش‌ها را در رسیدن به هدف اصلی مقاله یعنی اثبات آگاهی امام از حقایق ظاهری و باطنی قرآن با منابعی ویژه و مخصوص که مستلزم گستردگی و تمایز دانش

امام است، نزدیک خواهد نمود. از این رو، پاسخ دو پرسش نخست که به عنوان مقدمه طرح و پیگیری دو سؤال اخیر است، به اختصار و پاسخ شیوه آگاهی امام به ظاهر و باطن قرآن با تفصیل بیشتری دنبال می‌شود.

همچنین پاسخ به این پرسش‌ها به فهم ویژگی و خصوصیت آگاهی ائمه از قرآن و دلیل یادکرد آن به عنوان منبعی برای علوم الهی و ویژه ائمه (علیهم‌السلام)، کمک خواهد کرد.

ظاهر و بطن قرآن و وجود آگاهانی از آن

می‌توان اصلی‌ترین دلیل ماندگاری قرآن را، با وجود تطوّر دوره‌های حیات بشری، در مسأله بطن قرآن جستجو نمود. آیات قرآن به وجود بطن در نظام هستی یا بخشی از آن دلالت دارد (الأنعام/۱۲۰ و ۱۵۱؛ الأعراف/۳۳؛ لقمان/۲۰؛ الحديد/۳ و ۱۳). هرچند آشکارا به باطن قرآن تصریحی صورت نگرفته است، اما مفسران با تمسک به آیاتی که به تدبّر و تأمل در قرآن یا آیاتی که در آن به فراگیر بودن تمامی امور در قرآن تصریح شده، بر وجود باطن برای قرآن تلازم آورده‌اند (ر.ک؛ ذهبی، بی‌تا، ج ۲: ۳۵۳ و ۳۵۴ و آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۸).

روایات فراوانی از فریقین به وجود باطن برای الفاظ ظاهری قرآن دلالت دارد (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۴۴-۴۷ و سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸-۶). جابر بن یزید جعفی که در دو مرحله از تفسیر آیه‌ای از امام باقر، علیه‌السلام، سؤال و دو پاسخ متفاوت می‌شنود، در پاسخ به چرایی این امر از امام نقل می‌کند: «برای قرآن بواطن و ظواهری است و تفسیر قرآن از دورترین امور به اذهان بشر می‌باشد» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۳۰۰ و عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۱ و ۱۲). سؤال فضیل بن یسار - از اصحاب اجماع - درباره مراد از تعبیر «مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَلَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» که خود دلالت بر شیوع این تفکر و فراگیری بطن به تک‌تک آیات دارد، با این پاسخ امام باقر، علیه‌السلام، رو به‌رو می‌شود که «بطن قرآن تأویل آن است که برخی از آن گذشته و برخی از آن هنوز تحقق نیافته است» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۰۳). علامه طباطبائی در این زمینه می‌نویسد: «خداوند متعال ماورای این قرآن را امری دیگر معرفی می‌کند که به منزله روح قرآن است؛ همان حقیقتی که خداوند آن را «کتاب حکیم» می‌نامد و تمام معارف قرآن و مضامین قرآن متکی بر آن می‌باشد، امری که از سنخ الفاظ نیست. این امر همان تأویلی است که اوصاف آن در آیات بیانگر تأویل ذکر شده است.» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۵۴). بر این اساس، عمده

دلیل چرایی لزوم تأویل در آیات، وجود بطون فراوان و معارف عمیقی است که در قالب الفاظی محدود بیان شده است.

طرح مسأله تأویل در قرآن همچنین به التزام دلالت بر وجود زمینه برداشت‌های ناصحیح و در نتیجه، لزوم تبیین و تفسیر دقیق آیات قرآن می‌نماید. راهکار رهیافت به حقایق آیات با جایگاه مفسر و مبین دانستن پیامبر (ص) توسط خداوند سبحان تبیین شده است. به بیانی گویاتر، خداوند با علم به این نیاز، راه وصول به این هدف را در دریافت‌کننده و عرضه‌کننده وحی یعنی شخص پیامبر (ص) تحقق و تعیین بخشیده است (التحل/۴۴ و ۶۴). لزوم استمرار این مهم با توجه به زمینه‌های بروز اختلاف پس از پیامبر خاتم (ص) امری است که خیر، تاریخ و شواهدی از استدلال‌های مورد تأیید پیشوایان دین بر آن گواهی می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۶۹؛ ح ۳ و همان: ۱۷۱؛ ح ۴). در پاسخ به این نیاز، آیه ۴۳ سوره رعد در کنار آیه هفتم سوره آل عمران (...وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...)، دلیل بر آگاهی برخی دیگر، از دانش کامل قرآن و بیانگر عدم تنافی آیه هفتم از سوره آل عمران با آگاهی ایشان از تأویل قرآن است. همچنین این علم الهی را خداوند طبق آیه ۲۹ از سوره مبارکه سبأ به برگزیدگان خود عطا فرموده است. مطابق رهنمود روایات پیامبر اکرم (ص) و شواهد فراوان تاریخی و شهادت بزرگان از صحابه و تابعین، تحقق بخش این امر پس از پیامبر، امام علی (ع) می‌باشد.^۱ با آنچه گذشت، پاسخ دو سؤال نخست روشن می‌شود.^۲

آگاهی امام از ظاهر قرآن

تدوین قرآن در زمان حیات رسول خدا (ص) با نام مصحف صورت می‌گرفت. گستردگی این امر در آن عصر به گونه‌ای است که در ثبت مصحف‌های آن دوره، نام ۲۳ صحابی که دارای مصحف بوده‌اند، ثبت شده است (رامیار، ۱۳۶۲: ۳۳۵). فهم چگونگی آگاهی امام از ظاهر قرآن با شناخت از نگاشته‌ای که با یادکرد مصحف علی (ع) شهرت یافت، امکان‌پذیر است. گزارش‌های گوناگونی از این حقیقت پرده برمی‌دارد که امیرالمؤمنین (ع) در بهره‌مندی از تمامی آیات قرآن از دیگر صحابی پیش‌گام‌تر و این آگاهی و اقدام به جمع‌آوری دارای امتیازات ویژه‌ای بوده است. هرچند گاه تنوع گزارش‌ها و بیان امور فرعی، مخاطب را با ابهام‌هایی در برخی مسائل روبه‌رو می‌سازد، اما با توجه به گستره منابع نقل‌کننده این حقیقت^۳، جای تردیدی در کمال‌یابی امام علی (ع) در درک کامل آیات و آگاهی به همه الفاظ قرآن به جای نمی‌گذارد. به عنوان نمونه سجستانی (م. ۳۱۶ ق.) در کتاب المصاحف با عنوان «جمع علی ابن

أبی طالب رضی الله عنه /قرآن فی المصحف» به گزارشی در این زمینه اشاره دارد دارد (ر.ک؛ سجستانی، بی تا: ۵۹ و ۶۰). محمد بن سیرین پس از نقل گزارش عکرمه از جمع آوری قرآن توسط امام علی (ع) پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) می گوید: «از عکرمه درباره کیفیت آن مصحف پرسیدم و اینکه آیا مطابق با تنزیل گردآوری شده است؟! عکرمه در پاسخ من گفت: لَوْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يُؤَلَّفُوهُ ذَلِكَ التَّأْلِيفُ مَا اسْتَطَاعُوا» (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۶۱ و ۱۶۲). این اقرار، آن هم از مخالفین، از عظمت تلاش امیرالمؤمنین (ع) و جامعیت کار ایشان پرده برمی دارد. روایات چندی در ذیل عنوان «باب فی الأئمة أن عندهم بجمع القرآن الّذی أنزلهُ عَلَی رَسُولِهِ (ص)» در کتاب بصائر الدرجات بر این انحصار تأکید دارد (ر.ک؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۳ و ۱۹۴). به عنوان نمونه جابر از امام باقر (ع) نقل می کند: «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ يَقُولُ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا كَذَّابٌ وَمَا جَمَعَهُ وَمَا حَفَظَهُ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا عَلَیَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۳) و در تفسیر قمی ابو حمزه ثمالی از ایشان نقل می کند: «مَا أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأَئِمَّةِ جَمَعَ الْقُرْآنَ إِلَّا وَصِيَّ مُحَمَّدٍ (ص)» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۵۲).

بر اساس آنچه از روایات استفاده می شود، این مصحف علاوه بر ترتیبی خاص، شامل توضیحاتی نسبت به آیات قرآن نیز بوده است که به ویژگی های آن اشاره می شود.

خصوصیات این مصحف را می توان به دو گروه تقسیم نمود:

۱- ویژگی های کلی

الف) شامل تمام قرآن بوده است: «جَمَعَهُ كُلَّهُ» (هلالی کوفی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۵۸۱). (ب) کتابت آن به دست حضرت امیر (ع) صورت پذیرفته است. حضرت با مورد خطاب قرار دادن طلحه می فرماید: «إِنَّ كُلَّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عِنْدِي بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطِّي بِيَدِي» (همان: ۶۵۷). در روایت دیگر آمده: «كَتَبَهُ بِيَدِهِ» (همان: ۵۸۱) و در بیان امام صادق (ع) آمده است: «كَتَبَهُ عَلَيَّ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۶۳۳). (ج) قرآن مذکور در بین دو لوح جمع شده است. حضرت امیر (ع) پس از نگارش مصحف آن را به مردم عرضه و فرمود: «قَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللُّوحَيْنِ» (همان: ۶۳۳). (د) شامل مطالبی در ذیل آیات بوده است. امیرالمؤمنین

(ع) در این رابطه می‌فرماید: «فَمَا نَزَلَتْ عَلَيْهِ (رسول الله (ص)) آيَةً فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ وَلَا سَمَاءٍ وَلَا أَرْضٍ وَلَا دُنْيَا وَلَا آخِرَةٍ وَلَا جَنَّةٍ وَلَا نَارٍ وَلَا سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ وَلَا ضِيَاءٍ وَلَا ظُلْمَةٍ إِلَّا أَفْرَأَيْنَاهَا وَإِمْلَاهَا عَلَى وَكُتِبَتْهَا بِيَدَيَّ وَعَلَّمْنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَمُحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا وَخَاصَّهَا وَعَامَّهَا وَكَيْفَ نَزَلَتْ وَأَيْنَ نَزَلَتْ وَفِيْمَنْ أَنْزَلْتُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ دَعَا اللَّهُ لِي أَنْ يُعْطِيَنِي فَهَمَّا وَحِفْظًا فَمَا نَسِيْتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عَلَى مَنْ أَنْزَلْتُ إِلَّا إِمْلَاءَةً عَلَى» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸؛ نیز ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۴ و ۲۵۳؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۶۴). تدوین مصحف به امر پیامبر (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۸: ۳۰۸) و برای استفاده عموم مسلمانان صورت گرفت، (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۶۳۳). هرچند مورد استقبال دستگاه حکومت قرار نگرفت (طبرسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۵۷).

۲) ویژگی‌های خاص

تدوین آن بر اساس ترتیب نزول، ذکر ناسخ و منسوخ، شامل بودن برخی از تأویل آیات، اشمال بر تنزیل، بیان محکم و متشابه، تفصیل برخی از احکام، ذکر اسامی اهل حق و باطل، املائی پیامبر و خطّ علی (علیهما و آلهما السلام) (ر.ک؛ هلالی کوفی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۸۰۲؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۸۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۷؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۵۷؛ ایازی، ۱۳۸۰: ۱۴۲-۸۱).

آنچه به اختصار گذشت^۴، نشان‌دهنده آگاهی کامل و دقیق امام علی (ع) از ظواهر قرآن است که با واسطه پیامبر (ص) صورت پذیرفته است. هر چند میزان دانش انتقالی توسط ائمه هدی (علیهم السلام) به جامعه اسلامی - به دلائل گوناگون - به صورت جامع نیست، اما این امر نمی‌تواند دلیلی بر انکار دانش و آگاهی کامل ائمه اطهار (علیهم السلام) به ظواهر قرآن باشد، چرا که می‌تواند میان مرحله آگاهی و مرحله انتقال دو ساحت جدا حاکم باشد و این مسأله در باب بواطن قرآن نیز جاری است. البته شواهد مناسبی بر انتقال بخشی از این آگاهی در دوره‌های گذشته دلالت دارد.^۵

دانش امام به باطن قرآن

با کنار هم نهادن سه آیه قرآن و مقایسه آنها، به وسعت دانش و علوم جای گرفته در قرآن استدلال شده است. این آیات عبارتند از: (۱) «وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ...»

(الأعراف/۱۵۴) که توصیف‌کننده تورات موسی (ع) است. ۲) آیه «لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ...» (النحل/۳۹) که بیان‌کننده جایگاه عیسی (ع) است. ۳) آیه «...وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...» (النحل/۸۹) که جایگاه پیامبر (ص) و فراگیری دانش بیان شده در قرآن را نسبت به سائر کُتُب آسمانی روشن می‌نماید (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۲۶۶). از این رو و با توجه به روایات بیانگر بطون قرآن، که از وجود لایه‌ها و پرده‌هایی پنهان از قرآن و معرفت‌هایی مخصوص به راسخان در علم سخن به میان آورده است و نیز با دقت در روایاتی که بیانگر اختصاصی و ویژه بودن آگاهی‌های قرآن برای ائمه اطهار (علیهم‌السلام) می‌باشد، دانسته می‌شود که مراد از «تبیان کُلِّ شَيْءٍ» بودن قرآن با لحاظ و توجه به بطون قرآن و حقایقی است که آگاهی از آن تنها برای خداوند و برگزیدگانی از جانب او می‌باشد. علامه طباطبائی در نتیجه‌گیری نسبت به روایات طرح شده در این زمینه می‌نویسند: «مراد روایات از بیانگر بودن قرآن از همه چیز، اعم از بیان آن به طریق دلالت لفظی است، بلکه در قرآن اشارات و اموری است که از اسرار و نهفته‌هایی کشف می‌نماید که فهم عادی و متعارف توان درک آنها را ندارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۳۲۵).

یافتن ارتباط و پیوند زدن میان بیانگر بودن قرآن از همه امور با موضوع ام الکتاب و لوح محفوظ در روایات و همچنین استناد یافتن دانش وافر ائمه (علیهم‌السلام) به قرآن، با تمسک به آیه «تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»، (ر.ک؛ کافی، ج ۱: ۶۲؛ ح ۱۰ و صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۲۷؛ ح ۳، ۴، ۵ و ۶) زمینه این پرسش را فراهم می‌نماید که مجاری و مبادی ایصال دانش لوح محفوظ که قرآن تجلی آن است، چگونه برای امام محقق می‌شود. به بیانی روشن‌تر، با توجه به ذاتی نبودن دانش بشر و از جمله پیامبر و امام (ر.ک؛ شاکر و برنجکار، ۱۳۹۱: ش ۱۰)، سرچشمه‌های دانش و علم الهی پیشوایان شیعه که از قرآن دانسته شده است و از این رو، می‌توان آنها را مجاری آگاهی از بطون قرآن دانست، کدامند؟

لازم است پیش از بررسی این موضوع، مسأله بطون قرآن که به اجمال یاد شد و پیوند معارف قرآن با لوح محفوظ و ام الکتاب و کتاب مبین روشن شود. بیشتر مفسرین شیعه و سنی در کُتُب تفسیری خود چه تفاسیر روایی و چه تفاسیر با سبک و گرایشهای دیگر، کتاب مبین را در آیه ۵۹ از سوره مبارک انعام به معنای کتاب، لوح و حقیقی در نزد خدا دانسته‌اند که دایره شمولی معرفت و علم آن بسیار گسترده می‌باشد. این تفسیر از کتاب مبین، چه به معنای علم خدا یا لوح محفوظ و حتی اگر به معنای قرآن باشد، تفسیری است که بیانگر رابطه موجودات و

مخلوقات با علم خدا است. به بیان دیگر، کتاب مبین دربرگیرنده آگاهی به موجوداتی است که قدرت و علم خدا آنها را هستی بخشیده است و آنگاه ربوبیت می‌نماید (ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۳۶۱؛ صدوق، ۱۳۶۱: ۲۱۵ و بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۲۶).

اما مراد از روایاتی که به بیان ارتباط امام با کتاب مبین یا علم‌الکتاب پرداخته‌اند، آگاهی مطلق یکباره و شمول معرفت و آگاهی امام از تمام کتاب مبین نیست، بلکه آنچه مد نظر روایات است و با آن می‌توان به نتیجه و تلفیق ارتباط این تفسیر با روایات دیگر پرداخت، شرافت امکان آگاهی‌یابی همراه با تحقق آگاهی امام از بخشهایی از کتاب مبین، نه تحقق یکباره و شمولی آن می‌باشد.

مقصود از عبارت «مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ» را در روایاتی که به تفسیر «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» بودن قرآن پرداخته‌اند، می‌توان با کنار هم قرار دادن شواهدی دیگر آشکار نمود. به عنوان نمونه، اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ تَأْوِيلًا فَمِنْهُ مَا قَدْ جَاءَ وَمِنْهُ مَا لَمْ يَجِءْ فَإِذَا وَقَعَ التَّأْوِيلُ فِي زَمَانٍ إِمَامٍ مِنَ الْأَئِمَّةِ عَرَفَهُ إِمَامُ ذَلِكَ الزَّمَانِ» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۵؛ ح ۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۱۹۶؛ ح ۳۳۵۷۸ و مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹: ۹۷؛ ح ۶۲). همانا برای قرآن تأویلی است که برخی از آن محقق و روشن شده است و برخی اینچنین نیست. آنگاه که در زمان یکی از ائمه تأویل آن واقع شود، امام آن زمان به آن آگاه می‌شود. از این روایت و دو روایت مشابه (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۲؛ ح ۱۰؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۵؛ ح ۶ و ۷ و حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۱۹۶؛ ح ۳۳۵۸۰). همچنین از روایتی که قرآن را شامل اصولی می‌داند که عقل‌های مردم توان فهم آن را ندارند، به دست می‌آید که علم امام از باطن قرآن یا لوح محفوظ، علمی اجمالی و کلی، اما عمومی و جامع است؛ به این معنا که برای امام امکان این آگاهی توسط مجاری معینی فراهم شده است، و از همین رو، در روایات، منابع و مجاری گوناگونی برای ائمه (علیهم‌السلام) یاد شده که این روایات دلالت می‌کنند بر اینکه امام آگاهی‌های خود را از حقایق در کتاب مبین که خطا و سهو در آن راه ندارد، با آن مبادی و سرچشمه‌های دانش به دست می‌آورد. بر این اساس، کتاب مبین یا خزینة علم الهی را که دگرگون‌ناپذیر است، می‌توان شاهرگ معرفتی ائمه (علیهم‌السلام) نامید که راه‌های ویژه‌ای برای وصول به آن معین شده است. فهم صحیح این امر به درک دقیق روایاتی همانند «إِذَا حَدَّثَكُمْ بِشَيْءٍ فَاسْتَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۶۰؛ ح ۵؛ همان، ج ۵: ۳۰۰؛ ح ۲ و برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۶۹؛ ح ۳۵۸) کمک می‌نماید، چرا که از سویی، تمام آگاهی‌های امام به

قرآن بازگشت داده می‌شود - از آن رو که قرآن تجلی و مرتبه نازله از لوح محفوظ و امّ الكتاب است - و از سوی دیگر، مجاری آگاهی از حقایق پنهان یا باطن قرآن توسط مبادی خاصی محقق می‌شود.

مبادی آگاهی امام از باطن قرآن

بیان شد که امام دانش خود نسبت به ظاهر قرآن را به صورت مستقیم از پیامبر (ص) تحقق بخشیده است. مصحف امام علی (ع) که از املای پیامبر (ص) و آگاهی‌یابی کامل حضرت امیر (ع) از شأن نزول، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید و تمام امور لازم در درک صحیح الفاظ آیات قرآن و رابطه آنها برخوردار است، نماد و تبلور این آگاهی می‌باشد. با ملاحظه مجموعه روایات ذیل این عنوان آشکار می‌شود که مصحف ارزنده امام، دربردارنده برخی از لایه‌های نهان معارف قرآن نیز بوده است. تعبیر «تأویل» در برخی از گزارشها و روایات همانند: «فَمَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَ بِهَا وَأَمْلَأَهَا عَلَى فَكْتَبْتُهَا بِخَطِّي وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَنَاسَخَهَا وَمَنَسُوخَهَا وَ مُحْكَمَهَا وَ مُتَشَابِهَهَا وَ خَاصَّهَا وَ عَامَّهَا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۶۴) نه به معنای جامعیت این صحیفه نسبت به بطون قرآن است، بلکه بیانگر شمول این صحیفه نسبت به برخی از بطون قرآن است.^۷ عمده دلیل بر این گفتار، علاوه بر نیازمندی به حجم عظیمی از اوراق، همان گونه که قرآن تصریح بر آن دارد (الکهف/۱۰۹) و لزوم لدنی و الهی بودن این دانش، روایاتی است که دانش گذشته و آینده تا قیامت و احکام تمام امور مورد اختلاف در قرآن است (ر.ک؛ ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۶۵؛ ح ۹۸؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۶۰؛ ح ۷). بیان همه امور مورد نیاز مردم، خبر آسمان و زمین و هیچ چیزی نیست، مگر اینکه در کتاب خدا بیان آن وجود دارد (همان، ج ۱: ۵۹؛ ح ۱ و ۲۲۹؛ ح ۴؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۷؛ ح ۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۲۶۶؛ ش ۵۶)، خبر شما و گذشتگانتان و آیندگانتان در آن هست، به گونه‌ای که اگر کسی شما را از آن خبر دهد، تعجب می‌کنید (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۶۷؛ ح ۳۵۳). این روایات که قرآن را بیانگر تمام امور معرفی می‌کنند، در کنار روایات گسترده‌ای است که به تفکیک مبادی دانش امام اشاره می‌کنند و هر یک را متکفل نوع خاصی از دانش دانسته‌اند. بر این اساس، جمع میان خانواده روایات اقتضای این سخن را دارد. در منابع اهل سنت نیز آمده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) از پیامبر (ص) نقل می‌فرماید:

«عِلْمُ الْبَاطِنِ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِ اللَّهِ وَ حُكْمٌ مِنْ حِكَمِ اللَّهِ يَقْذِفُ فِي قُلُوبِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۱۶۱ و متقی الهمدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰: ۱۵۹).

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان سرچشمه‌ها و منابع دانش امام را به دو دسته کلی تقسیم نمود:

الف) عنایات بی‌واسطه الهی؛ بهره‌مندی از روح‌القدس و برخورداری از اسم اعظم را می‌توان جزء مبادی و امور زمینه‌ساز دانش عمیق و الهی امام به شمار آورد.
 ب) علوم انتقالی که شامل دانش‌های انتقال‌یافته از پیامبر و فرشته می‌شود. در ذیل هر یک از این دو، مجاری و منابع چندی قرار دارد که این مبادی و مجاری را می‌توان مسیر آگاهی‌یابی امام از حقایق پنهان قرآن نام نهاد^۸ و به اجمال به عناوین و محتوای آن اشاره می‌شود.

۱- جامعه

جامعه یکی از عنوان‌های مورد تأکید روایات درباره علم امام و نشانه‌ای از پیوند عمیق میان امامت و نبوت کتاب یا صحیفه جامعه است. جامعه اثری از رسول خدا (ص) خوانده شده است: «إِنَّمَا هُوَ أَثَرٌ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۳۹ و ۱۴۶). از ویژگی‌های این اثر، نگارش آن توسط امام علی (ع) با املاء پیامبر (ص) می‌باشد. محتوای این نگاشته مطابق گزارش روایات متعدّد، حلال و حرام الهی است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۳۸).

۲- ألف باب

از روایات مشهور در کُتُب حدیثی فریقین، روایات ألف باب است که از طرق متعدّد نقل شده است (مناقب، ج ۲: ۳۶). تحقّق این امر در روزها و یا ساعات پایانی عمر شریف پیامبر اکرم (ص) صورت پذیرفت، و حضرت هزار دروازه علم را که هر یک گشاینده هزار در علم است، به امام علی (ع) تعلیم و تحدیث نمود. روایت اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین (ع) دلالت می‌کند که ابواب تعلیمی به آن حضرت توسط پیامبر اکرم (ص)، شامل حلال و حرام الهی و آگاهی‌هایی نسبت به گذشته و آینده است (ابن‌بابویه (صدوق)، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۶۴۷). غزالی نیز در توصیف این دانش امیرالمؤمنین (ع) و طبیعی بودن و یا فوق طبیعی بودن آن، با پذیرش این روایت و صحیح دانستن آن، معتقد به الهی و لدنی بودن این معرفت و آگاهی است و با تجلیل و احترام از این امر یاد می‌کند (ابن‌طاوس، بی‌تا: ۲۸۴). این منبع دانش در کنار کتاب جامعه دو منبع اصلی آگاهی کامل امام از حلال و حرام الهی است. مطابق رهنمود آیات و روایات، ائمه اطهار

دانش کامل به حلال و حرام (احکام)^۹ را از طریق پیامبر اکرم (ص) بهره‌مند شده‌اند. از این رو، نقش امام نسبت به این علوم، نقشی تبیینی و امام‌محوری برای تبلور دانشهای انتقالی از پیامبر است.

۳- صُحُفِ انبیا

آیه ۱۳۳ از سوره طه بیانگر آن است که قرآن از حقایق کتاب‌های آسمانی گذشته خبر می‌دهد. آیه مذکور دلالت بر آگاهی غیبی و الهی پیامبر از صحف اولی می‌نماید و قرآن را مشتمل بر عقاید حق و اصول احکامی که تمامی پیامبران بر آن اجماع داشته‌اند، معرفی می‌کند و این امر را بینه و شاهی برای حقانیت قرآن و ادعای پیامبر (ص) می‌داند. مفسرین مراد از صُحُفِ اولی را تورات و انجیل و سایر کُتُب آسمانی بیان نموده‌اند. کتاب‌های آسمانی پیامبران گذشته مانند تورات، زبور، انجیل و صحیفه‌هایی مثل صُحُفِ موسی و ابراهیم، علیهما السلام، از جمله علوم مکتوبی هستند که پیامبر اکرم (ص) واسطه انتقال آن به امام علی (ع) و هر امامی واسطه در انتقال به امام بعدی است. از این کتاب‌ها و صحیفه‌ها در روایات با عنوان جِفر اَبیض یاد شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۴۰). از روایات چنین برداشت می‌شود که جِفر (کُتُب و صُحُفِ انبیا) شامل علم گسترده و فراوانی بوده است (همان: ۲۴۱).

۴- مصحف فاطمه (س)

الفاظ و عبارات مصحف از صدای ملکی که حضرت فاطمه (س) می‌شنیده، شکل گرفته است. پس املاکننده کلمات به حضرت زهرا (س) ملک (جبرئیل) و املاکننده آنها به امام علی (ع) حضرت صدیقه طاهره (س) بوده است (صقار، ۱۴۰۴ق: ۱۵۳؛ ح ۵ و ۱۵۶؛ ح ۱۵). نگارش مصحف توسط امیرالمؤمنین (ع) صورت گرفته است. از این رو، مصحف به خط ایشان است (ر.ک؛ همان). روایاتی را که به تبیین محتوا و موضوع اصلی مصحف پرداخته‌اند، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: الف) روایات سلبی: آنچه در تمامی روایات سلبی تذکر داده شده است، داخل نشدن آیه‌ای از قرآن کریم در مصحف فاطمه (س) می‌باشد که این مفهوم با کمی اختلاف در تعبیر متعددی آمده است (ر.ک؛ همان: ۱۵۳؛ ح ۵؛ همان: ۱۵۶؛ ح ۱۵؛ همان: ۱۵۴؛ ح ۸ و همان: ۱۵۱؛ ح ۳). ب) روایات اثباتی: گروه دوم از روایات، به بیان موضوع و محتوای اصلی و گاه برخی جزئیات از مسائل مطرح شده در مصحف می‌پردازند: «يُخْبِرُهَا عَنْ أَبْيَها وَمَكَانِه وَ يُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي دُرِّيَّتِها» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۴۱؛ ح ۵). در نتیجه، مصحف

شامل آگاهی و اخباری از آینده نسبت به ائمه (علیهم‌السلام) و فرزندان حضرت زهرا (س) و پادشاهان و حاکمان و بیان حوادثی است که سرانجامش استخلاف ائمه و فرزندان فاطمه (سلام‌الله علیهم) بر روی زمین خواهد بود (ر.ک؛ برنجکار و شاکر، ۱۳۹۱: ۶).

۵- تحدیث و الهام

«نکت و نقر» در روایات از مجاری علم امام به حوادث حال دانسته شده است. مجری و انجام‌دهنده نکت و نقر در روایات ملائکه معرفی شده است (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۸۳۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، الف: ۲۸۷ و ۳۲۸ و صفار، ۱۴۰۴ق: ۳۲۴ و ۳۶۸). در روایات افکندن در قلب (نکت فی القلب) را نشانه محدث بودن معرفی نموده‌اند. علم روزانه یا به تعبیر روایات، حادث، که آگاهی از زمان حال است، در روایات با تعبیر، «نکت (یا قذف) فی القلوب و نقر فی الأسماع» بیان شده است. محدث کسی است که فرشته با او سخن می‌گوید، بدون آنکه پیامبر باشد و یا آنکه فرشته را ببیند و یا به کسی محدث گفته می‌شود که در او دانشی به طریق الهام و مکاشفه از مبدأ اعلی ایجاد شود و یا آنکه در قلب او از آن حقائق که بر دیگران مخفی است، پدید آید. حیطة وظایف و شئون امام (علیه‌السلام) نیازمندیهای لازم به آن را نیز طلب می‌نماید و گستره قلمرو ولایت الهی او گستردگی آگاهی‌ها و علوم ایشان را می‌طلبد و این تلازم امری روشن و عقلی می‌باشد. صفوان در این باره، از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَأَعْظَمُ أَنْ يَحْتَجَّ بِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِهِ ثُمَّ يُخْفَى عَنْهُ شَيْئٌ مِنْ أَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ».

۶- عمود نور

روایاتی که در ذیل این عناوین قابل بررسی می‌باشند، همگی در یک نکته اصلی که اثر و پیامد این مجری است، اشتراک و اتحاد در نقل دارند. امر مشترک میان روایات، ارتباط عمود یا منار یا مصباح نور با اعمال بندگان و آگاهی امام نسبت به کنش و رفتار و اعمال انسان‌ها است. از این رو، ثمره و نتیجه وجود عمود نور برای امام (علیه‌السلام)، توان دیدن و مشاهده کردن اعمال انسان‌ها می‌باشد. اینکه مراد از عمود نور چیست؟ روایتی صحیح (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۲۶۸) از امام رضا (ع) به روشنی پاسخگوی این پرسش است. یونس بن عبدالرحمن برای یاران خود نقل می‌کند که امام به من فرمود: «تو چه می‌گویی آیا منظور عمودی از آهن است^{۱۰} که برای صاحب (امام) تو برافراشته می‌گردد؟ من گفتم نمی‌دانم. امام (علیه‌السلام) فرمود، بلکه مراد از عمود نور فرشته است که در هر شهری موکل است و خدا

به وسیله او اعمال بندگان آن شهر را بلند و نمایان می نماید. روایت با صراحت عمود نور را به ملک تفسیر و تبیین می کند و به گفته علامه مجلسی در *مرآة العقول* نامیده شدن فرشته با عنوان عمود به شیوه استعاره صورت گرفته، چرا که گویی ملک عمودی از نور است که امام در آن نظر می کند و یا به این علت این تشبیه صورت گرفته که اعتماد امام در کشف امور به ملک می باشد. (همان: ۲۶۸).

با دقت در آنچه گذشت، علاوه بر این نکته که ائمه اطهار (علیهم السلام) دارای طهارت و فهم صائب و دقیقی بوده اند^{۱۱}، می توان گفت که ائمه (علیهم السلام) علم تفسیر قرآن را از دیگران نفی ننموده اند، اما برای علم و آگاهی امام از تفسیر قرآن چند ویژگی بیان داشته اند:

- ۱- عمومیت و جامعیت آگاهی ایشان در برابر آگاهی ناقص دیگر مفسران قرآن.
- ۲- متقن بودن تفسیر و تبیین امام از قرآن، در برابر آگاهی ناصحیح و فهم نادرست و یا تفسیر ظنی از قرآن.

- ۳- امکان راه یابی امام به باطن و حقایق پنهان قرآن از مجاری ویژه و الهی.

نیز با توجه به دانش الهی امام است که حضرت کاظم (ع) ابراز عقیده شخصی در مسائل دین را از سوی امام به صورت جد، رد و آن را انکار و دانش امام را از منبع الهی و تردیدناپذیر بیان می نماید (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۶۲؛ ح ۱۰).

نتیجه گیری

قرآن به عنوان کانون هدایت بشری پس از عصر ختم نبوت، برای به دست دادن هدایت کامل خود نیازمند آگاهانی از حقیقت ظاهر و باطن آن می باشد. اوصیای پیامبر (ص) که به نص و نصب الهی معین گردیده اند، وظیفه تجلی دادن به هدایت الهی توسط قرآن را به فراخور هر دوره ای بر عهده دارند. این آگاهی نه دانشی سطحی و نه در توان دستیابی کامل بشری است. دانش امام در این زمینه، آگاهی و علمی الهی با مبادی و مجاری ویژه است که خود بیانگر و دلیلی صادق بر حقانیت دعوی شیعه در مسأله جانشینی پیامبر (ص) می باشد و با توجه به مبادی و سرچشمه های متعدد علم امام و روشن شدن الهی و غیر طبیعی بودن آنها ثابت می گردد که علم امام علمی خاص و ویژه می باشد که این امر ادعای انحصار مرجعیت علمی برای ائمه شیعه (علیهم السلام) را ثابت می نماید. محور اساسی دانش امام به قرآن، پیامبر اکرم (ص) است. بر این اساس، آگاهی امام و به واسطه این آگاهی، امکان دستیابی دیگر

انسان‌ها از حقایق، وابستگی شدید به جایگاه و مقام و رتبه خاتمیت پیامبر اسلام (ص) در کسب فیض و علم و انتقال آن به هدایت‌کنندگان به شریعت پس از خود و انتقال از ایشان به مردم دارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- در این زمینه سخنان فراوانی دلالت بر سرآمدی و جامعیت دانش امام علی (ع) دارد که به دو نمونه اشاره می‌شود: (۱) پیامبر اکرم (ص) در گفتاری مشهور که راوی آن ام سلمه است، به معیت و همراهی دائم قرآن و امام علی (ع) تصریح دارند و یا روایاتی که ائمه اطهار را با قرآن و قرآن را با ایشان معرفی می‌نماید (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۱۹ و طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۹). (۲) ابن عباس که شیعه و اهل سنت بر فضیلت او اقرار نموده‌اند، پس از درک عمق آگاهی امیرالمؤمنین (ع) به حقایق قرآن، با فروتنی دانش خود را در مقایسه با دانش حضرت همانند قطره آبی در برابر دریاها معرفی می‌کند (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ب: ۲۳۶ و طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۲). همو در تعبیری دیگر، دانش خود را مدیون تعلیم استاد خود می‌داند و می‌گوید: «ما أَخَذْتُ مِنَ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ فَعَنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (ذهبی، بی‌تا، ج ۱: ۸۹ و ۹۰). وی با جبهه‌گیری در برابر اندیشه برتری دانش تفسیری وی نسبت به امام علی (ع) در رد این دیدگاه دانش خود را از علی (ع) و دانش علی را از پیامبر (ص) دانسته است و خود را دانش‌آموز مکتب تفسیری امیرالمؤمنین (ع) معرفی می‌نماید. از نمونه‌های دیگر می‌توان به گفتار عبدالله بن مسعود، حاکم نیشابوری، عامر شعبی، عایشه، عبدالله بن عمر، عطاء بن ابی رباح، زرکشی، ابن عطیه، جزری دمشقی، ابن ابی الحدید، زرقانی، محمدحسین ذهبی، ابن عاشور و ... اشاره داشت (ر.ک؛ مردادی، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۹۶).

۲- ورود تفصیلی به پاسخ این دو سؤال به همراه ذکر شواهد فراوان آن و دیدگاه‌های مطرح، با توجه به لزوم رعایت حجم مقاله، ممکن است به هدف اصلی نگاشته حاضر که بیان شیوه آگاهی امام به قرآن، به‌ویژه در بخش باطن آن می‌باشد، آسیب رساند.

۳- گزارش‌های مربوط به مصحف امام علی (ع) را که بیشتر دلالت بر جمع کامل قرآن با ویژگی‌های خاص می‌نماید، می‌توان در کتاب‌های شیعه و اهل سنت از منابع علوم قرآنی، تاریخ، حدیث و ... رهگیری نمود (ر.ک؛ رامیار، ۱۳۶۲: ۳۶۸-۳۶۸).

۴- از آثار مستقل انتشار یافته در این مسأله می‌توان به کتاب مصحف امام علی (علیه‌السلام) تألیف سید محمدعلی ایازی اشاره داشت. نگارنده از این اثر در نگاشته خود بهره برده است.

۵- مقدمه کتاب *مرآة الأنوار* و *مشكاة الأسرار* از ابوالحسن عاملی فتونی از آثار ارزنده در گردآوری و نمایش اینگونه روایات است.

۶- تأویل و تفسیر عموم و خصوص من وجه‌اند. تفسیر بیان معنای ظاهری قرآن و تأویل مراد واقعی و بیان مصداقی آن است. مرحوم مصطفوی در این زمینه می‌نویسد: «الفرقُ بَيْنَ التَّفْسِيرِ وَ التَّأْوِيلِ، أَنَّ التَّفْسِيرَ هُوَ الْبَحْثُ عَنْ مَدْلُولِ اللَّفْظِ وَ مَا يَقْتَضِيهِ ظَاهِرُ التَّعْبِيرِ أَذْبَاباً وَ إِيْتِزَاماً وَ عَقْلاً، وَ أَمَّا التَّأْوِيلُ فَهُوَ تَعْيِينُ مَرْجِعِ اللَّفْظِ وَ الْمُرَادِ وَ الْمَقْصُودِ مِنْهُ، وَ قَدْ يُخْفَى الْمُرَادُ عَلَى النَّاسِ وَ لَا يُدِلُّ عَلَيْهِ ظَاهِرُ اللَّفْظِ، فَهَذَا يُحْتَاجُ إِلَى الْإِطْلَاعِ بِالْمَقْصُودِ وَ الْمُرَادِ مِنَ اللَّفْظِ - وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۷۶).

۷- این سخن با روایت سلیم بن قیس هلالی که در آن، امام علی (علیه‌السلام) به طلحه می‌فرماید: «و تأویل کل آیه...» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۵۳) تنافی ندارد؛ زیرا همانگونه که در ادامه خواهد آمد، منابع دانش امام علی (علیه‌السلام) گوناگون است و حضرت علاوه بر مصحف شریف، کتابی به نام جامعه با املای پیامبر نگاشته‌اند که شامل حلال و حرام الهی بوده است و همچنین صحیفه‌های دیگر در گزارشها و روایات ذکر شده است. دلیل بر این ادعا، سخن خود حضرت است که در انتها به مسأله ألف باب که یکی از مبادی علم الهی ایشان توسط پیامبر است، اشاره دارد که بر اساس روایات این مجرای دانش علاوه بر فراهم آوردن آگاهی از دانش حلال و حرام، شامل علوم دیگری نیز بوده است.

۸- نگارنده در مقالات مستقل دیگری هر یک از این سرچشمه‌های علم امام را به تفصیل مورد بازبینی قرار داده است (ر.ک؛ شاکر، ۱۳۹۰: ۸۰-۲۰).

۹- برای آگاهی بیشتر در این باب، ر.ک؛ شاکر، ۱۳۹۱: ۱۸۲-۱۵۷ و شاکر و برنجکار، ۱۳۹۱: ش ۲.

۱۰- ملاصالح مازندرانی درباره این جمله امام، علیه‌السلام، می‌نویسد: «ذکر الحَدِيدِ عَلَى سَبِيلِ التَّمْثِيلِ وَ إِلَّا فَقَدْ يَكُونُ الْعَمُودُ مِنْ خَشَبٍ وَ نَحْوِهِ» (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۶: ۳۶۴).

۱۱- امام علی (علیه السلام) نقل می فرماید که پیامبر اکرم (ص) در حقّ من دعا فرمود: دَعَا اللهُ أَنْ يُعْطِيَنِي فَهَمُّهَا وَ حِفْظُهَا فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللهِ وَلَا عِلْماً أَمْلَأُهُ عَلَيَّ وَ كَتَبْتُهُ مُنْذَ دَعَا اللهُ لِي بِمَا دَعَا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۶۴).

منابع و مآخذ

قرآن کریم

ابن بابویه (صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۶۲). *الأمالی*. تهران: انتشارات کتابخانه اسلامیّه.

_____ . (۱۳۹۸ق.). *التّوحید*. قم: انتشارات جامعه مدرّسین قم.

_____ . (۱۴۰۳ق.). *الخصال*. قم: انتشارات جامعه مدرّسین قم.

_____ . (۱۳۶۱). *معانی الأخبار*. قم: انتشارات جامعه مدرّسین قم.

ابن طاووس، علی بن موسی. (بی تا). *سعد السّعود للنّفوس المنضود*. قم: دار الذّخائر. ایازی، سیّد محمدعلی. (۱۳۸۰). *مصحف امام علی (ع)*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بحرانی، سیّد هاشم. (۱۴۱۶ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. چاپ اوّل. تهران: بنیاد بعثت. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق.). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامیّه. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشّیعه*. ۲۹ جلد. قم: مؤسسه آل البيت، علیهم السّلام.

ذهبی، محمد بن حسین. (بی تا). *التّفسیر و المفسّرون؛ بحث تفصیلی عن نشأة التّفسیر*. بیروت: دار احیاء التّراث العربی.

رامیار، محمود. (۱۳۶۲). *تاریخ قرآن*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

راوندی، قطب الدّین سعید بن هبة الله. (۱۴۰۹ق.). *الخرائج و الجرائح*. قم: مؤسسه امام مهدی (عج).

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

_____. (۱۴۰۱ق.). *الجامع الصغیر*. بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

_____. (۱۴۱۶ق.). *الاتقان فی علوم القرآن*. لبنان: دار الفكر.

سجستانی، عبدالله بن سلیمان. (بی تا). *المصاحف*. قاهره: الفاروق الحدیثه للطباعة والنشر.

شاکر، محمدتقی. (۱۳۹۰). *منابع علم امام، علیه السلام، و پاسخگوی به شبهات پیرامون*

آن. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر رضا برنجکار و مشاوره محمدتقی سبحانی. دانشکده علوم حدیث قم. سال ۱۳۹۰ (رمضان المبارک ۱۴۳۳ق.).

_____. (۱۳۹۱). «پژوهشی در روایات ألف باب». *مجله علوم حدیث*. سال هفدهم.

شماره ۶۶. صص ۱۵۷-۱۸۲.

شاکر، محمدتقی و رضا برنجکار. (۱۳۹۱). «کتاب الجامعه و نقش آن در فرآیند تبیین

آموزه های شیعی». *مجله پژوهش های قرآن و حدیث*. دوره ۴۵. شماره ۲. صص ۸۹-۱۱۶.

_____. (۱۳۹۱). «مسأله آگاهی از غیب و امکان آن از نگاه

مفسران». *مجله مطالعات تفسیری*. سال سوم. شماره ۱۰. صص ۶۵-۸۴.

_____. (۱۳۹۲). «حقیقت تحدیث و رابطه آن با نبوت». *مجله آینه*

معرفت. سال سیزدهم. شماره ۳۷. صص ۱۴۰-۱۶۸.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۴). *الملل و النحل*. قم: الشریف الرضی.

صفار، محمد بن حسن بن فروخ. (۱۴۰۴ق.). *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*

(علیهم السلام). قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی.

طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات

اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، ابومنصور احمد بن علی. (۱۴۰۳ق.). *الإحتجاج*. مشهد: نشر مرتضی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق.). *الأمالی*. قم: انتشارات دارالثقافه.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق.). *کتاب التفسیر*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی.

تهران: چاپخانه علمیه.

فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ ق.). **تفسیر فرات الکوفی**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). **تفسیر قمی**. تحقیق سید طیب موسوی جزایری. چاپ چهارم. قم: دار الکتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). **الکافی**. ۸ جلد. تهران: دار الکُتب الإسلامیّة.

مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۸۲ ق.). **شرح الکافی**. تهران: المكتبة الإسلامیّة.

متقی الهندی، علاءالدین علی. (۱۴۰۹ ق.). **کنز العمال**. بیروت: مؤسّسة الرّسالة.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق.). الف. **مرآة العقول**. تحقیق سید هاشم رسولی. چاپ دوم. تهران: دار الکُتب الإسلامیّة.

_____ . (۱۴۰۴ ق.). ب. **بحار الأنوار**. ۱۱۰ جلد. بیروت - لبنان: مؤسّسة الوفاء.

مصطفوی حسن. (۱۳۶۰). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مرادی، محمد. (۱۳۸۲). **امام علی، علیه السلام، و قرآن؛ پژوهشی در تفسیر و روشهای آن در اندیشه امام علی، علیه السلام**. تهران: هستی‌نما.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق.). الف. **الاختصاص**. قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.

_____ . (۱۴۱۳ ق.). ب. **الامالی**. قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.

_____ . (۱۴۱۳ ق.). ج. **المقنعه**. قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.

هلالی کوفی، سلیم بن قیس. (۱۴۱۵ ق.). **کتاب سلیم بن قیس**. قم: انتشارات الهادی.